

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ

سرهنگ ستاد علیرضا نریمانی^۱

سرهنگ ستاد محمدصادق سنایی زاده^۲

چکیده

تحقیق حاضر به تجزیه تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ که نتیجه این عملیات بدین گونه بود که شهر سوسنگرد آزاد و مواضع پدافندی نیروهای عراق به رودخانه مالکیه متمایل گردیده و جاده حمیدیه - سوسنگرد آزاد و نیروهای متجاوز تا رودخانه کرخه کور عقب‌نشینی و اهواز از محور تهدید دشمن خارج گردید پرداخته است. هدف این تحقیق تبیین عملیات آزادسازی سوسنگرد با اصول جنگ و سؤال اصلی تحقیق به‌کارگیری اصول جنگ در عملیات سوسنگرد چگونه بوده است؟ روش تحقیق توصیفی - تاریخی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق موارد مندرج در اسناد و مدارک معتبر علمی در ارتباط با موضوع تحقیق می‌باشد. محقق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای اطلاعات لازم را اخذ و مورد استفاده قرار نموده داد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از اصول نه‌گانه جنگ در این عملیات اصل هدف، آفند، صرفه‌جویی در قوا و، وحدت فرماندهی بسیار خوب در این عملیات به‌کاربرده شد و سایر اصول نیز در سطح خوب و متوسط به‌کاربرده شده است.

واژگان کلیدی: عملیات-سوسنگرد-اصول جنگ

۱. هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.

۲. هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.

مقدمه

هشت سال دفاع مقدس یکی از نقاط عطف تاریخی ایران اسلامی است که با تأثیرات شگرف خود مسیر حرکت جامعه اسلامی را در راستای تحکیم دستاوردهای انقلاب اسلامی و پایه‌های قدرت نظام جمهوری اسلامی متحول و بسترهای راه‌یابی به افتخار پیشرفت و تعالی کشور در عرصه‌های مختلف را نیز فراهم ساخته است. راهبرد دولت عراق ماه‌ها پیش از آغاز هجوم گسترده نظامی با خروج ایرانیان ساکن در عراق آغاز شده بود و با انجام تحریکات در استان خوزستان و تشکیل سازمان‌ها و گروه‌هایی مانند جبهه تحریر عربستان (خوزستان) ادامه داد. بانفوذ خرابکارانه به داخل کشور و انفجارت پی‌پای در شبکه نفت رسانی و پل‌های ارتباطی و بمب‌گذاری در میدان‌ها و مکان‌های عمومی و صدور کارت شناسایی ویژه برای عوامل خود در خوزستان و با تغییر نقشه جغرافیایی منطقه که خوزستان را جزئی از خاک خود قلمداد می‌نمود و با تغییر نام شهرهای این استان و صدها توطئه دیگر از جمله تحریکات گسترده در منطقه شمال غرب و ایجاد درگیری‌های گسترده داخلی باهدف جداسازی خوزستان و براندازی حکومت نوپای اسلامی ایران عملاً عمق کینه‌توزی خود را نشان داد و هم‌زمان با دریافت سخاوتمندانه کمک‌های مالی و تسلیحاتی از بعضی کشورهای عرب منطقه و پشتیبانی آمریکا و تعداد دیگری از کشورهای غربی و شرقی خود را برای تهاجم گسترده آماده نمود.

به تدریج نیروهای عراقی در حوالی مرز گسترش و درگیری‌های پراکنده مرزی در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ آغاز و در نیمه اول سال ۱۳۵۹ ابعاد گسترده‌تری یافت. این در شرایطی بود که نیمی از توان ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب درگیر نبرد با ضدانقلاب و گروه‌های مختلف بوده و از نظر توان رزمی با توجه به حوادث انقلاب و تسویه‌های مختلف و کاستن از خدمت سربازی و عوامل متعدد دیگر عملاً قدرت دفاعی ما بسیار کاهش پیدا کرده بود (پورداراب: ۱۳۸۰) به جز اقدامات فوق، عراق قبل از شروع تجاوز ناجوانمردانه خود بارها ادعاهای مربوط به استرداد جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی به اعراب و حاکمیت کامل بر اروندرود و پس گرفتن زمین‌های به اصطلاح متعلق به عراق که در اختیار ایران می‌باشد را تکرار و خواستار اعمال حاکمیت کامل بر تمامی سرزمین‌های متعلق به آن کشور واروند رود گردید و سرانجام صدام حسین در سخنرانی ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹ خود در مجلس ملی عراق عهدنامه الجزایر را ملغی اعلام نمود. بدین سان و با توجه به تحریکات و اقدامات تجاوزکارانه در مرزها عملاً به کشور ما اعلان جنگ داد و صدام حسین جنگی خانمان‌سوز و ویرانگر و تخریب‌کننده گسترده منابع مالی و انسانی و بسیار طولانی را به میهن ما تحمیل کرد، نبردی که خسارات بسیار سنگین در پی داشت اما عراق هرگز

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ.....۷

به اهداف شوم خود نرسید (بختیاری، ۱۳۸۷) پس از اینکه عهدنامه ۱۹۷۵ در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ به طور یک جانبه از طرف عراق لغو شد و متعاقباً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله گسترده ای را به مرزهای ایران آغاز نمود و مناطقی را در شمال غرب و غرب و جنوب غرب ایران اشغال نمود دوران دفاع مقدس یکی از مقاطع فراموش نشدنی و بی نظیر تاریخ ایران و خود یک مقطع تاریخی بسیار مهم است که پیامدهای سیاسی، نظامی و اجتماعی آن همواره ادامه دارد. در این میان سال اول جنگ از اهمیت دوچندانی برخوردار است، زیرا در این سال است که استراتژی دشمن با شکست کامل مواجه گردید؛ از این رو بررسی واکنش ایران به تهاجم ارتش عراق خصوصاً در سال اول جنگ از آن جهت بسیار مهم و ضروری است که این بررسی می تواند، ارزیابی دقیقی از عملکرد ارتش ج.ا.ایران و راهبرد کشورمان مبنی بر شکست استراتژی نظامی عراق به دست دهد. اقدامات سال اول جنگ خصوصاً طرح ریزی و اجرای عملیات نیمه گسترده مانند عملیات آزادسازی سوسنگرد از عوامل مؤثر بر ناکامی و شکست ارتش عراق در طول سال های بعدی دفاع مقدس است. تمامی جنگ های جدید که از آن ها با عناوین رزم ناهمراز، رزم در برابر نیروهای تروریستی، تکفیری، جنگ هیبریدی و ... نام می برند تابع اصول جنگ کلاسیک و توان رزمی بوده و نمی توان با این تفکر که این گونه جنگ ها با جنگ کلاسیک تفاوت هایی دارند، آن ها را از این دو عامل اساسی مستثنی دانست. لذا در این مقاله سعی شده است با توجه به اهمیت عملیات آزادسازی سوسنگرد در سرنوشت جنگ، ضمن تشریح عملیات، این نبرد را از دیدگاه اصول جنگ مورد تحلیل قرار داده تا از نتایج به دست آمده آن بتوان تجربه بالارزشی برای مقابله با نبردهای احتمالی در آینده به دست آورد. هدف اصلی تحقیق تبیین چگونگی به کارگیری اصول جنگ در عملیات سوسنگرد و سؤال اصلی تحقیق به کارگیری اصول جنگ در عملیات سوسنگرد چگونه بوده است؟

تحقیق حاضر با استفاده از مطالعه منابع به دست آمده، به تشریح عملیات سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ پرداخته و از نتایج آن برای مطالعات دفاع مقدس استفاده می شود. لذا تحقیق حاضر از نوع کاربردی می باشد. روش تحقیق توصیفی، تاریخی بوده و بنابراین تجزیه و تحلیل تاریخی روشی است برای کشف آنچه در گذشته اتفاق افتاده است. در این پژوهش، از ابزار اسناد، مدارک و مطالعه منابع به منظور اندازه گیری متغیرهای پژوهش استفاده شده است.

در این تحقیق با تقسیم بندی اطلاعات جمع آوری شده از منابع مورد مطالعه در مورد هدف فوق به صورت تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات انجام گردیده. در انتها جهت نشان دادن هم پوشانی داده های حاصل از منابع، تحلیل نهایی انجام گردیده است.

جامعه مورد تحقیق: عبارت است از مجموعه مصاحبه ها، سخنرانی ها، پژوهش ها، همایش ها، کتاب ها و اسناد موجود جنگ تحمیلی در مرکز مطالعات نیروی زمینی و کتابخانه دافوس آجا

– ادبیات نظری

۱-۲- آفند

این اقدام دربرگیرنده فعالیت‌هایی است که در فرهنگ عمومی تاریخ جنگ تحت عنوان «عملیات» شناخته شده و عموماً شامل حرکت نیروهای خودی به طرف دشمن جهت تصرف اهداف و مواضع جدید می‌باشد و عمده‌ترین بخش تاریخ جنگ را به‌ویژه در ستون نوشتاری به خود اختصاص داده و عموماً به‌عنوان تنها رویداد جنگ ثبت، معرفی و شناخته شده است (جعفری، ۱۳۸۸). اقدام آفندی مؤثرترین و قطعی‌ترین عمل برای دستیابی به هدف و کسب و حفظ ابتکار عمل و بهره‌برداری از آن می‌باشد. اصل آفند در ابعاد استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی قابل اجرا بوده و سبب کسب ابتکار عمل گردیده و دشمن را در وضعیت انفعالی قرار می‌دهد (معین وزیری و یاسینی، ۱۳۷۹).

۲-۲- عملیات آفندی

هدف از عملیات آفندی، انهدام و از بین بردن میل جنگجویی دشمن و تحمیل اراده و خواست خودی بر دشمن است، به‌نحوی که از ادامه مبارزه دست کشیده و تسلیم خواسته‌های ما گردد (معین وزیری و یاسینی، ۱۳۷۹).

۳-۲- سوسنگرد

این شهر در ابتدا روستایی به نام خفاجیه بوده که بعدها در زمان حکومت پهلوی به سوسنگرد تغییر نام یافت. شهر سوسنگرد مرکز شهرستان دشت آزادگان (واقع در استان خوزستان) و مهم‌ترین شهر آن است، فاصله شهر سوسنگرد تا اهواز ۵۵ کیلومتر و تابستان ۲۸ کیلومتر است، رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و شعبه‌ای از کرخه نیز از داخل شهر عبور کرده و در غرب و جنوب غربی شهر دو رود سابه و مالکیه از آن منشعب می‌شوند.

پیشینه پژوهش:

با پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم بعث عراق کوشید با فعال کردن دستگاه تبلیغاتی و القای افکار "پان عربیسم" و فرستادن پول و سلاح و همچنین انجام عملیات مین‌گذاری و انفجار پل‌ها و مراکز شهری و با استفاده از نارسایی‌های موجود در منطقه، وضعیت نامطلوب امنیتی و سیاسی برای نظام اسلامی‌مان ایجاد کند که با درایت و مقاومت مردم ولایت‌مدار و انقلابی منطقه دشت آزادگان ناکام ماند. در زمان جنگ، ارتش عراق سه بار برای تصرف سوسنگرد تلاش کرد که با مقاومت شدید مردم مواجه گردید، ولی در حمله سوم شهر، در محاصره ارتش عراق قرار گرفت. با

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ.....۹

حمله عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عناصر تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ اهواز، مستقر در پاسگاه صفریه و سوبله، نتوانستند حملات عراق را دفع کنند و به ناچار با اجرای عملیات تأخیری عقب نشستند. لشکر ۹ مکانیزه عراق کم‌کم به محور سوبله، تنگه چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر رسید. عراقی‌ها موفق شدند روی رودخانه کرخه ورمیم پل شناور نصب کنند. به این ترتیب بستان به طور کامل سقوط کرد و عراقی‌ها از شمال و غرب وارد شهر شدند. آن‌ها با پیشروی در محور بستان-سوسنگرد این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دادند. علاوه بر این عراقی‌ها در جنوب کرخه و از محور نشوه، کوشک، طلاییه و جفیر وارد ایران شده و در این محور رو به شمال پیشروی کرده و به کرانه جنوبی کرخه کور رسیده بودند. آن‌ها با عبور از کرخه کور، به قصد تصرف حمیدیه و سوسنگرد در دو ستون پیشروی کرده و به حاشیه جنوبی حمیدیه و سوسنگرد رسیدند. عراقی‌ها پس از شکستن مقاومت مدافعان اندک آن، در روز ششم مهر، سوسنگرد را اشغال کردند. فرماندهان عراقی، اداره شهر اشغال‌شده را به گروه "جبهه‌التحریر" سپردند. پیشروی عراقی‌ها به سوی اهواز ادامه یافت تا این‌که رزمندگان جان‌برکف، چهار روز بعد یعنی شب‌هنگام ۱۳۵۹/۷/۹ با شیخون به عراقی‌ها قوای ارتش عراق را مجبور به عقب‌نشینی کردند و تعقیب عراقی‌ها ادامه یافت و در ۱۳۵۹/۷/۱۰ رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی "علی غیور اصلی" شهر را آزاد کردند و جبهه‌التحریر را بیرون راندند. (گزارش سپاه خوزستان از عملیات سوسنگرد، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند ۱۷۵۲) عراق حملات مجدد خود را از ۱۳۵۹/۷/۱۷ آغاز و در ۱۳۵۹/۷/۲۱ بستان را اشغال و در ۱۳۵۹/۸/۲۴ سوسنگرد را از سه طرف محاصره کرد و وارد آن شد لیکن رزمندگان اندک مدافع شهر با مقاومت خود مانع سقوط شهر شدند. دو روز بعد در ۱۳۵۹/۸/۲۶ رزمندگان ارتش و ستاد جنگ‌های نامنظم (گروه شهید چمران) به کمک محاصره‌شدگان آمدند و بار دیگر شهر را آزاد کردند. از افرادی که در این شهر باقی‌مانده بودند، رزمنده‌های آذربایجانی بودند که به خاطر همین در شهر سوسنگرد بوستانی به همین اسم، نام‌گذاری شده است. (سند شماره ۲۱۴۷۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش پاسداران اعزامی از تبریز به منطقه سوسنگرد)

انگیزه‌های ژئوپلیتیک عراق برای جنگ:

- عراق در خلیج فارس ۵۸ کیلومتر دارد و ایران ۱۲۵۰ کیلومتر و عراق به دنبال گسترش این ساحل بود. عراق می‌خواست نفت کویت یا ایران و در مجموع بیش از ۳۰ درصد نفت خاورمیانه را در اختیار داشته باشد.

۱۰..... فصلنامه علمی تخصصی، سال اول، شماره یک، تابستان ۱۳۹۸

- صدام، نگران سرایت تفکر انقلاب اسلامی به شیعیان عراق که اکثریت جمعیت این کشور را شامل می‌شوند، بود و ضروری می‌دید انقلاب را محبوس یا نابود نماید. (آراسته، ۱۳۸۸: ۴۵)
- استرداد جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی
- تجزیه خوزستان (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۲۶)

دلایل نظامی عراق در تحمیل جنگ:

- اشتباه در محاسبه مؤلفه‌های قدرت ملی ایران توسط غرب و صدام، بر اساس مبانی اطلاعات راهبردی آن از جمهوری اسلامی ایران
- محاسبه قدرت ملی از دیدگاه میلی تاریستی.
- آمادگی ارتش عراق و کسب آمادگی برتر در چهار سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ (صرف ۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی، اختصاص بیش از ۸۰ درصد درآمد متوسط ۳۴ میلیارد دلاری سالانه نفت به امر تجهیز ارتش) - پیش‌بینی حمایت مستقیم و غیرمستقیم مادی و معنوی کشورهای غربی و عربی از اقدام او - رهبری جهان عرب

تشریح عملیات آزادسازی سوسنگرد:

هجوم و تجاوز نیروهای عراق به خوزستان در جبهه‌ای عریض که سراسر مرزهای این استان را با عراق شامل می‌شد (از موسیان در شمال تا شلمچه در جنوب) و تقریباً با استفاده از تمامی معابر و محورهای وصولی موجود در منطقه مرزی صورت گرفت. پس از ماه‌ها درگیری‌های بزرگ و کوچک بین طرفین در مناطق پاسگاه‌های مرزی که اکثراً به صورت تبادل آتش‌های سنگین و سبک و گاهی همراه با تجاوز زمینی نیروهای عراقی در خوزستان و استان‌های ایلام و باختران بود، سرانجام در بعدازظهر روز سه‌شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) آفند عمومی عراق به ایران که برابر شواهد و قرائن عملیات نظامی چندان هم برخلاف انتظار و غیرقابل پیش‌بینی نبود، آغاز شد. نیروهای رزمی پیاده، مکانیزه و زرهی مجهز عراق که از مدت‌ها پیش خود را برای این هجوم آماده کرده بودند، در خطوط مرزی مشترک و در یک عرض تقریبی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مرز را پشت سرنهاده و در اکثر نقاط موفق گردیدند به دلیل گستردگی جبهه و درگیری بخش بزرگی از یگان‌های نیروی زمینی در کردستان و سایر مناطق آشوب‌زده، استفاده برده و از مناطق مرزی استان‌های خوزستان و باختران و ایلام به داخل خاک جمهوری اسلامی ایران پیشروی نمایند. محور چزابه - بستان - سوسنگرد - حمیدیه به اهواز از مهم‌ترین محورهای تجاوز دشمن بعثی برای تصرف اهواز و سپس اشغال خوزستان بود و به همین دلیل، صدام به لشکر ۹ زرهی عراق مأموریت اشغال سوسنگرد و تصرف اهواز را (به همراه لشکر پنج عراق از محور طلایه - پادگان حمید) واگذار کرد. با نگاهی به هدف‌گذاری عراق، گویا از مهم‌ترین اهداف عراق در جنگ، اشغال خوزستان و در اشغال خوزستان نیز مهم‌ترین هدف عراق

اشغال اهواز بوده است؛ بنابراین، تلاش عراق در جبهه میانی (مناطق بستان و سوسنگرد) مهم‌ترین و اصلی‌ترین تلاش است که در صورت موفقیت، برای تحقق همه اهداف خود تا حد بسیاری امیدوار و اگر شکست می‌خورد، در تحقق کل هدف ناکام و ناامید می‌شد. بدون تردید استان خوزستان هدف اصلی و اساسی نیروهای دشمن در این تجاوز بود. نیروهای متجاوز به‌رغم دارا بودن توان رزمی برتر و تحرک عالی، به دلیل همان مقاومت‌های پراکنده ولی شدید نیروهای ایرانی با سرعتی نه‌چندان زیاد خود را تا رودخانه‌های کارون و کرخه رسانیده و توانستند مناطق وسیعی را در غرب و جنوب غرب خوزستان که به بیش از ۱۳۰۰۰ کیلومترمربع بالغ می‌شد، اشغال و شهرهای موسیان، بستان، هویزه و خرمشهر و صدها روستای بزرگ و کوچک را تصرف نماید. رسیدن نیروهای متجاوز به چند کیلومتری دزفول و اندیمشک و منطقه دوکوهه که درواقع گلوگاه حیاتی و راهبردی خوزستان به شمار می‌آید و همچنین نزدیک شدن دشمن تا پنج کیلومتری اهواز مرکز خوزستان، این استان را در معرض تهدید جدی قرارداد و کشور و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را با وضعیت بسیار خطیری مواجه نمود. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۰)

نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، به‌رغم وجود آشفتگی‌های فراوان در سازمان رزمی خود و نابسامانی‌های بی‌شماری که در سامانه فرماندهی و کنترل آن پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که ناشی از تجدید سازمان و تطبیق و همسو شدن با شرایط نوین کشور و انقلاب بود، توانستند با مقاومتی دلیرانه و با استفاده از نقاط ضعف عملیاتی ارتش متجاوز، سرانجام هجوم دشمن را مهار و از پیشروی بیشتر متجاوز به عمق زیاده‌تر، جلوگیری نمایند و ارتش دشمن ناگزیر به اتخاذ وضعیت پدافندی و تثبیت در مواضع خود شود. بلافاصله پس‌ازاین مرحله عملیات، نیروهای خودی درصدد سازمان‌دهی مجدد و رفع نقایص و افزایش سطح آمادگی رزمی برآمدند و با برخورداری از حمایت بی‌دریغ مردم که هم به‌صورت پشتیبانی‌های تدارکاتی پشت جبهه و هم حضور عملی و ایثارگرانه در جبهه‌ها (به‌صورت رزمندگان داوطلب) بود، بر آن شدند تا کسب آمادگی کامل برای هجوم متقابل به دشمن و آزادسازی تمام مناطق اشغالی و سرکوب قاطعانه متجاوز، حداکثر فرسایش را چه با اجرای آتش بر روی مواضع آن‌ها و چه به‌صورت تک‌های محدود و محلی بر متجاوز وارد نموده و ضمن این‌که مانع از آسودگی دشمن در مناطق اشغالی می‌شوند، به کسب تجارب عملیاتی پرداخته و روحیه آفندی خود را افزایش دهند و هم تلاش نمایند تا مواضع پدافندی خود را توسعه داده و به‌این‌ترتیب مواضع مناسب‌تری را برای تسهیل عملیات آفندی آتی خود به دست آورند. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۱)

پس از متوقف کردن هجوم دشمن که می‌توان گفت در همان یک ماه اول صورت پذیرفت، در طول اولین سال جنگ، نیروهای ما با اتخاذ مشی کلی پدافندی در مقابل دشمن، به ترمیم نقایص و رفع کمبودهای به وجود آمده در سازمان و تجهیزات خود، در حد مقدرات پرداخته و در سراسر جبهه‌های جنگ هر زمان که ممکن می‌گردید، تک‌های محدودی را علیه دشمن سازمان داده و به متجاوز هجوم آورده و طعم پیروزی بر دشمن را هرچند کوچک، می‌چشیدند. (بختیاری،

۱۳۸۰: ۳۲). با مقاومت‌هایی که از طرف دلیرمردان ارتش و نیروهای مردمی در آغاز جنگ در مناطق مرزی صورت گرفت در برخی جبهه‌ها منجر به کندسازی حرکت، در بخش‌هایی به توقف و در بعضی از مناطق منتهی به تثبیت دشمن گردید. در محور سوسنگرد مقاومت‌ها از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز و با طرح‌های عملیاتی و تدابیر اتخاذشده فرماندهان، مراحل تثبیت و بیرون راندن متجاوز اجرا و آزادسازی آن در آذرماه صورت پذیرفت. با این تدبیر و در این مدت در جبهه‌های خوزستان، نیروهای ما در حد نسبتاً خوبی موفق به توسعه مناطق پدافندی خود و به دست آوردن مواضع شده بودند و درست یک سال پس از آغاز تجاوز عراق، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متشکل از ارتش و نیروهای بسیج مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با به دست آوردن آمادگی نسبتاً مطلوبی، عملیات آفندی بزرگ خود را برای بیرون راندن متجاوز از سرزمین‌های اشغالی آغاز کردند که با اجرای چهار حمله بزرگ یکی پس از دیگری موفق گردیدند در کمتر از ۹ ماه تقریباً خطه زرخیز و حیاتی خوزستان را از لوث وجود دشمن پاک نموده و ضرباتی سنگین و مهلک بر متجاوز فرود آورند به نحوی که ناگزیر گردد از بیم انهدام بیشتر، سایر مناطق اشغالی در ایران را هم در حد بسیار وسیعی تخلیه و به مواضع مطمئن‌تری در حوالی مرزهای خود عقب‌نشینی نموده و آتش‌بس را درخواست نماید. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۲) به‌طورکلی، برای تشریح عملیات انجام‌شده در جنوب غربی کشور می‌توان صحنه عملیاتی خوزستان را از نظر شکل زمین و هدف‌های راهبردی نیروهای مسلح ما برای آزاد نمودن مناطق اشغالی به جبهه‌های شمال، میانی و جنوبی تقسیم کرد.

- جبهه شمالی استان خوزستان، مناطق غرب رودخانه کرخه در حدفاصل ارتفاعات میش داغ در جنوب تا مناطق شمالی محور موسیان، عین خوش و پای پل را شامل می‌شد.
- جبهه میانی حدفاصل دامنه‌های جنوبی میش داغ تا کرانه‌های جنوبی رودخانه کرخه کور بود که مناطق شمالی و جنوبی رودخانه کرخه از حمیدیه تا غرب بستان را در برمی‌گرفت.
- جبهه جنوبی شامل مناطق غرب رودخانه کارون در محدوده کرانه جنوبی رودخانه کرخه کور در شمال تا رودخانه اروند در جنوب بود. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۲)

موقعیت میانی از نظر جغرافیای طبیعی

منطقه میانی خوزستان به‌طورکلی شامل منطقه عمومی دشت آزادگان می‌گردد که از بخش‌داری حمیدیه واقع در ۲۵ کیلومتری شمال غربی اهواز شروع و به سمت غرب تا مرداب هورالعظیم و مرز ایران و عراق امتداد می‌یابد. منطقه مزبور از شمال به زمین‌ها و تپه‌ماهورهای رملی و ارتفاعات میش داغ و از جنوب به کرانه‌های جنوبی رودخانه کرخه کور محدود می‌شود و حدوداً عرضی برابر ۳۰ کیلومتر و عمقی نزدیک ۸۰ کیلومتر را دارا می‌باشد. در این منطقه، شهرستان سوسنگرد مرکز فرمانداری دشت آزادگان و شهرهای بستان و هویزه و حمیدیه قرارگرفته‌اند. منطقه پر آب و حاصلخیز بوده و اشتغال عمده اهالی آن کشاورزی است. مردم آن

عرب‌زبان، مسلمان، ایرانی و ایران‌دوست هستند، اگرچه دارای پاره‌ای آداب و سنن متداول اعراب می‌باشند.

نهرهای متعددی در این منطقه جاری است که از رودخانه اصلی، یعنی رودخانه کرخه منشعب گردیده و همگی با یک مسیر شرقی- غربی به مرداب هورالعظیم منتهی می‌شوند. این نهرها شامل کرخه کور، مالکیه، عبید، رمیم و آل عباس می‌باشند. رودخانه کرخه در بخش شمال خوزستان دارای یک‌جهت کلی شمال به جنوب می‌باشد، ولی پس از رسیدن به حمیدیه یک تغییر سمت ۹۰ درجه‌ای داده و در مسیر شرقی- غربی، منطقه دشت آزادگان را می‌پیماید و به هورالعظیم می‌ریزد. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۴)

زمین منطقه، در امتداد مسیر رودخانه کرخه به دو قسمت تقسیم می‌شود که از لحاظ شکل طبیعی کاملاً متفاوت هستند. قسمت جنوبی، دشتی است باز و مسطح و بدون هرگونه برجستگی که عوارض طبیعی آن نهرهای سابل، مالکیه، نیسان و کرخه کور هستند. در صورتی که زمین واقع در شمال رودخانه کرخه، تپه‌ماهوری است و دو رشته تپه تقریباً موازی از شمال بستان تا حمیدیه وجود دارند که بین آن‌ها دشت کم‌عرضی قرار گرفته است. این دشت و تپه‌های شمالی آن و ادامه آن به سمت غرب تا مرز، یک زمین پوشیده از ماسه رملی بوده که حرکات خودروئی و پیاده‌نظام را بسیار مشکل و در مواردی غیرممکن می‌سازد. رشته تپه‌های جنوبی که بلندترین و مهم‌ترین آن تپه‌های الله‌اکبر هستند (به ارتفاع ۲۰۰ متر) سخت و محکم می‌باشند. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۶)

مشخص‌ترین و عمده‌ترین ارتفاعات در شمال کرخه، بلندی‌های میش داغ هستند که از مناطق شمال غربی سوسنگرد شروع و با عبور از شمال بستان، تقریباً موازی با مرز ایران و عراق و بافاصله‌ای در حدود ۱۵ کیلومتر از آن تا تپه‌های رقابیه در جنوب شرقی فکه امتداد می‌یابد. بلندی میش داغ اگرچه از ۲۴۶ متر تجاوز نمی‌کند ولی با این حال بلندترین ارتفاع منطقه است که به صورت یک مانع طبیعی می‌تواند به نحو مؤثر در پدافند مورد استفاده قرار گیرد. دامنه‌های مناطق شمال بستان از تپه‌ماهورهای رملی پوشیده شده و دو معبر (تنگه) در این ارتفاعات وجود دارند که یکی از آن‌ها به نام تنگه میش داغ (صعده) در شمال غربی بستان بوده و دشت رقابیه (چهیلا) را در دامنه شمالی میش داغ به تپه‌ماهورهای رملی دامنه جنوبی متصل می‌کند و دیگری تنگه زلیجان که ده‌ها کیلومتر بالاتر از این تنگه قرار داشته و دشت چهیلا را با دشت‌های شرقی فکه مرتبط می‌سازد. (رزاق زاده، ۱۳۹۱: ۳۲)

بررسی منطقه جبهه میانی از جنبه‌های نظامی

بارزترین ارزش نظامی جبهه میانی در این منطقه، وجود محور حلفائیه، چزآبه، سوسنگرد، حمیدیه و اهواز می‌باشد در یک سر این معبر، اهواز (مرکز خوزستان) به فاصله ۹۰ کیلومتر از مرز قرار دارد و با استفاده از این محور عراق می‌تواند این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دهد، متقابلاً حلفائیه مرکز استان عماره عراق در آن سمت این معبر و در فاصله ۴۰ کیلومتری

از مرز ایران قرار دارد و دستیابی ایران به حلفائیه موجب قطع محور بغداد، عماره، بصره می شود که از دیدگاه های تاکتیکی و راهبردی عراق را دچار مشکلات شدید و خطرناکی می نماید. اگر مبدأ محور یادشده حلفائیه گرفته شود، پس از ۴۰ کیلومتر به پاسگاه مرزی شیب عراق رسیده که در مقابل آن پاسگاه مرزی ایران به نام سوبله قرار دارد و پس از طی ۱۵ کیلومتر از این پاسگاه، محور مزبور به شمال بستان می رسد. در فاصله میان بین سوبله تا شهر بستان به علت وجود تپه ماهورهای رملی در شمال و سواحل مردابی هورالعظیم در جنوب، عرض معبر تنگ شده که این نقطه به نام تنگه چزآبه معروف است. عرض تنگه چزآبه در فصول مختلف به سبب پرآبی یا کم آبی هورالعظیم بین دو کیلومتر تا کمتر از یک کیلومتر متغیر می باشد. محور یادشده پس از رسیدن به شمال بستان به دوشاخه تقسیم می شود که یک شاخه در امتداد کرانه شمالی کرخه و دیگری (از طریق پل بستان روی کرخه) در کناره جنوبی رودخانه امتداد می یابد. هر دو محور شمالی و جنوبی در حمیدیه به هم متصل شده و به صورت یک محور واحد تا اهواز ادامه دارد. در امتداد محور شمالی هیچ شهر بزرگ یا کوچکی وجود ندارد، ولی دهکده های متعددی در کنار رودخانه قرار گرفته اند. در این معبر و به فاصله حدود ۲۰ کیلومتری شرق بستان، تپه های الله اکبر (با ارتفاعی نزدیک ۲۰۰ متر) که دارای دید و تیر عالی روی محور شمالی و حتی قسمتی از محور جنوبی هستند و قابلیت های لازم برای یک موضع پدافندی عالی را دارا می باشند، قرار دارند. پس از تپه های الله اکبر تا پادگان دشت آزادگان چندین تپه دیگر با ارتفاع نزدیک به ۷۰ متر وجود دارند که می توانند به عنوان مواضع تأخیری مورد استفاده قرار گیرند. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۷)

محور شمال کرخه، در انتهای مسیر خود با استفاده از یک پل فلزی که روی رودخانه کرخه در مقابل پادگان دشت آزادگان قرار گرفته است، با حمیدیه ارتباط پیدا می کند. در محور جنوبی شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه قرار گرفته اند. در ادبیات نظامی در مباحث تاکتیکی، شهرها برای حرکت نیروها (حداقل تا رده لشکر) مانع محسوب می شوند، زیرا باعث کندی حرکت و تجزیه نیروهای مانوری می گردند، اما از دیدگاه عملیاتی و راهبردی، تصرف شهرها می تواند امتیازات سیاسی، نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی زیادی را برای نیروهای فاتح به وجود آورد، به خصوص اگر شهر دارای ویژگی هایی خاص هم باشد. مثلاً مراکز صنعتی یا بندری یا مراکز استان ها و غیره ارزش به دست آمده را بالا می برند. خلاصه آن که اگرچه شهرها در مانور تاکتیکی نیروهای تک کننده یک مانع محسوب می شوند، اما در طرح کلی یک عملیات ممکن است یک عارضه حساس باشند. مثلاً در منطقه دشت آزادگان، شهر بستان و به خصوص شهر سوسنگرد که مرکز فرمانداری دشت آزادگان محسوب می گردد، با آن ادعای وحدت قومیت عرب که صدام حسین به راه انداخته بود و با توجه به عرب زبان بودن مردم این منطقه و پاره ای آداب و سنن عربی که دارند، تصرف این شهرها می توانست از سوی رژیم بغداد به عنوان آزادسازی یک منطقه عربی و بازگرداندن آن به دامن مادر عرب تبلیغ گردد. از آن گذشته،

افکار عمومی مردم کشورهای درگیر در جنگ، چندان آشنایی به عوارض حساس و کلیدی زمین در مناطق عملیاتی مانند ارتفاعات یا تنگه‌ها و غیره نداشته و نه ارزش آن‌ها را در درگیری‌های عملیاتی می‌دانند و نه غالباً نامی از آن‌ها به گوششان خورده است ولی در عوض بانام شهرها آشنایی دارند و فتح یک شهر یا از دست دادن آن در نظر آنان حکم پیروزی یا شکست نیروهای نظامی را داشته و آن را عامل تعیین‌کننده سرنوشت جنگ می‌دانند، لذا حکومت‌ها و گردانندگان جنگ به این مسئله توجه خاصی دارند. علاوه بر آن، ممکن است شهری از نظر ویژگی‌های خاص خود و امتیازات نظامی، سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی که برای نیروهای فاتح به وجود می‌آورد، واقعاً یک برگ برنده در دست دیپلمات‌ها در میز مذاکرات و چانه‌زنی‌های سیاسی برای کسب امتیازات به حساب آید، لذا یک عارضه حساس، به زبان نظامی تعریف شود. با توجه به آنچه گذشت شهرهای بستان، سوسنگرد، حمیدیه، به‌ویژه شهر مهم سوسنگرد عوارض حساس محور جنوبی و تپه‌های الله‌اکبر عارضه حساس محور شمالی محسوب می‌شوند، تنگ چزآبه و پل‌های روی رودخانه کرخه در بستان، سوسنگرد، حمیدیه نیز عارضه حساس محسوب می‌شوند. موانع منطقه، شامل رودخانه کرخه و انشعابات آن، مرداب هورالعظیم و مناطق رملی شمال کرخه و دامنه میش داغ هستند. (رزاق‌زاده، ۱۳۹۱:۱۱۵)

چگونگی تجاوز نیروهای عراقی به دشت آزادگان

در اوایل دهه ۱۳۴۰، در بررسی مسائل نظامی و تهدیدات احتمالی عراق در منطقه خوزستان، امکان تهدید اهواز از غرب یعنی از طریق معبر حلفائیه، سوبله، حمیدیه، اهواز موردتوجه قرار گرفت، لذا برای مقابله اولیه با تهدیدات احتمالی دشمن در معابر دشت آزادگان، در برآوردها، پیش‌بینی‌ها و طرح‌های عملیاتی تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در نظر گرفته شد و به همین منظور نیز پادگان این تیپ در ۱۰ کیلومتری شمال حمیدیه احداث گردید تا در صورت هرگونه تجاوز ناگهانی دشمن به این منطقه، بتوان پیشروی دشمن را روی معابر منطقه با اتکا به نقاط حساسی مانند تنگه چزآبه و ارتفاعات الله‌اکبر سد نموده و همچنین با پدافند در کرانه شمالی کرخه کور مانع از پیشروی جنوبی- شمالی دشمن از محور کوشک، طلاییه، جفیر و کرخه کور، به سمت سوسنگرد و حمیدیه گردد. پس از شدت گرفتن اختلافات ایران و عراق و به‌ویژه درگیری‌های مرزی در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ و افزایش احتمال آفند عراق به ایران، در ۱۵ شهریور ۱۳۵۹، نیروی زمینی یک طرح عملیاتی پدافندی به نام طرح ابودر تهیه نمود. برابر این طرح (که ریشه در طرح‌های پدافندی و عملیاتی قبلی نیروی زمینی داشت)، لشکر ۹۲ زرهی خوزستان می‌بایستی در منطقه مسئولیت خود از حوالی دهلران در شمال تا دهانه فاو در جنوب خوزستان اقدام به پدافند در مقابل حمله دشمن کرده و هجوم متجاوز را سد نماید تا لشگرهای ۱۶ زرهی و ۲۱ پیاده به خوزستان وارد و آنگاه آفند متقابل به متجاوز آغاز شود. به‌هرحال لشکر ۹۲ زرهی بر مبنای طرح ابودر، یک طرح پدافندی به نام حر تهیه کرد که بر

اساس آن تیپ ۲ زرهی دزفول در منطقه شمالی، تیپ ۳ در منطقه میانی و تیپ ۱ در منطقه جنوبی استان خوزستان در مقابل حمله احتمالی عراق پدافند می نمودند و همان طور که در بالا اشاره شد، این تقریباً تکرار همان طرح های تهیه شده قدیمی بود، البته در شرایطی که کاملاً تغییر کرده بودند. بر اساس این طرح، تیپ ۳ زرهی بایستی با استفاده از ارتفاعات الله اکبر در خطرناک ترین معبر منطقه و همچنین در کرانه شمالی کرخه کور پدافند نماید. در این زمان تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی، مانند سایر یگان های ارتش، به علت شرایط خاص زمانی و اوضاع و احوال حاکم بر ارتش دارای مشکلات بسیاری بود و کارایی رزمی آن به دلایل تقلیل مدت خدمت وظیفه و رهایی و نقل و انتقالات نادرست کارکنان (که موجب عدم کفایت آموزشی و آمادگی وسایل و تجهیزات گردیده بود)، تنزل یافته و به ویژه به علت انتصابات نامناسب و دخالت های غیرمسئولانه پاره ای از افراد ناآگاه به مسائل نظامی و فرماندهی، از فرماندهی و کنترل ضعیفی برخوردار بود. در چنین وضعیتی، به هر حال عناصر تیپ ۳ زرهی در ۲۱ شهریور ۱۳۵۹، از پادگان حرکت و فردای آن روز استقرار خود را در مواضع پدافندی تپه های الله اکبر پایان داده و یک گروهان تقویت شده را نیز با مأموریت نیروی پوششی و مراقبتی در کناره شمالی کرخه کور گسترش داد. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۴۱-۴۰) شایان ذکر است با توجه به استعداد موجود، تیپ ۳ زرهی حداکثر توان خود را در خطرناک ترین معبر به کار گرفته بود که از نظر پدافندی امری منطقی و به جا بود، اما با شدت یافتن درگیری در پاسگاه های مرزی سوبله و صفریه، یگان های تیپ ۳ زرهی بنا به تقاضای ژاندارمری و دستورات ابلاغی، به ناچار مناطق مناسب پدافندی تنگه چزآبه و ارتفاعات الله اکبر را رها کرده و به صورت تجزیه شده و گروهانی در تقویت پاسگاه های مرزی سوبله و صفریه وارد عمل شد و بین دو پاسگاه یادشده یعنی در عرض تقریباً ۱۱ کیلومتر گسترش یافتند. معنی نظامی این اقدام، این بود که یگان های تیپ ۳ زرهی به صورت یک نیروی تأمینی و پوششی در خط مرز درآمدند. در حالی که در پشت و عقب آن ها هیچ نیرویی در مواضع اصلی پدافندی یعنی ارتفاعات الله اکبر و تنگه چزآبه وجود نداشت. گزارش های موجود حاکی است که از روز ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ که عناصر تیپ ۳ زرهی در خط مرز و بین پاسگاه های سوبله و صفریه گسترش یافته بودند، با دشمن درگیر شدند. (رزاق زاده، ۱۳۹۱: ۴۱ و ۴۲)

عصر روز ۳۱ شهریور، فشار دشمن شدیدتر شد و عناصر تیپ ۳ زرهی در پاسگاه های صفریه و سوبله که یک منطقه کاملاً مسطح و باز است به رغم تلاش، فداکاری و پایداری سرسختانه نتوانستند حملات دشمن را دفع نمایند و بر اثر فشار لشکر ۹ مکانیزه دشمن به عقب رانده شدند. متجاوز، پس از به تصرف درآوردن مناطق پاسگاه های مرزی، به سوی تنگه چزآبه و ارتفاعات الله اکبر پیشروی نمود. تیپ ۳ زرهی بر اثر فشار دشمن به رغم ابراز رشادت، به علت دارا نبودن نیروی لازم و گسترش اولیه در زمین نامناسب پدافندی، نتوانست از تنگه چزآبه برای متوقف کردن دشمن به نحو مؤثری استفاده نماید و با تحمل تلفات تا ارتفاعات الله اکبر عقب زده شد. دشمن پس از عبور از تنگه چزآبه و پیشروی در محور شمالی کرخه، بر فشار خود برای

دستیابی به ارتفاعات الله اکبر افزود. فعالیت چشمگیر و مؤثر یگان‌های توپخانه و هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پشتیبانی از عناصر تیپ ۳ زرهی، مانع از دستیابی سریع و راحت دشمن به ارتفاعات الله اکبر شده و تلاش‌های او را خنثی می‌نمود. روشن بود که تیپ ۳ زرهی با توان رزمی موجود خود قادر به نگهداری قطعی این ارتفاعات نیست ولی به‌هرحال آنچه در توان داشت مقاومت می‌نمود. تلاش و فعالیت دشمن در محور شمالی کرخه برای تصرف ارتفاعات الله اکبر، روزها و بدون نتیجه به درازا کشید و رزمندگان میهن اسلامی با پشتیبانی شدید آتش توپخانه و هوانیروز و نیروی هوایی در مقابل دشمن مقاومت کردند. در روز ۱۸ مهر، دشمن تلاش نمود وارد بستان شود و درواقع از محور جنوب کرخه هم استفاده نماید. عناصر ژاندارمری و تعدادی از نیروهای مردمی مستقر در بستان که برای جلوگیری از ورود دشمن به شهر در همان روزهای اولیه حمله عراق اقدام به تخریب پل بستان روی کرخه نموده بودند، بر مقاومت خود و جلوگیری از سقوط شهر افزودند، ولی متجاوز با نصب پل‌های شناور روی رودخانه‌های کرخه ورمیم از شمال و غرب وارد شهر گردید و روز ۱۹ مهر، بستان به‌طور کامل سقوط کرد و به اشغال دشمن درآمد. با پیشروی متجاوز در محور بستان - سوسنگرد، این شهر از غرب مورد تهدید قرار گرفت. از سویی نیروهای دیگری از دشمن که از محورهای کوشک - طلایه وارد ایران شده بودند و رو به جفیر و اهواز به سمت شمال پیشروی می‌نمودند، به رودخانه کرخه کور رسیدند و با عبور از آن، به‌قصد تصرف حمیدیه و سوسنگرد در دو سمت، یکی به سمت حمیدیه و دیگری به سمت سوسنگرد پیشروی نمودند که روز هشتم مهر، به حاشیه جنوبی شهرهای حمیدیه و سوسنگرد رسیدند و ضمن قطع جاده حمیدیه - سوسنگرد حتی عناصری از نیروهای دشمن وارد این شهر شدند. ولی نیروهای مردمی و نیروهای نامنظم شهید دکتر چمران و عناصر ژاندارمری با رشادت غیرقابل‌تصوری با سلاح‌های سبک به دشمن حمله‌ور شده و ضمن وارد آوردن تلفات و خساراتی به دشمن، عناصر متجاوز را چند کیلومتری ناگزیر به عقب‌نشینی کردند. با ورود نیروهای تازه‌نفس و تقویت لشکر ۹ زرهی عراق، فشار دشمن برای تصرف ارتفاعات الله اکبر افزوده شد و بالاخره روز ۲۷ مهر، دشمن ارتفاعات الله اکبر و شحیطیه را به‌طور کامل تصرف نموده و عناصر تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی تا هشت الی ۹ کیلومتری شرق الله اکبر عقب رانده شدند و پادگان دشت آزادگان درخطر سقوط قرار گرفت، ولی تیپ ۳ زرهی به‌رغم استعداد رزمی قلیل و فرسودگی بیش‌ازحد، با عناصر باقی‌مانده و پشتیبانی شدید توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی، توانست پیشروی دشمن را در این قسمت از دشت آزادگان سد و مانع از سقوط پادگان و دستیابی دشمن به حمیدیه گردد و متجاوز هم دیگر نتوانست بیش از این پیشروی نماید. (بختیاری، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۳) در جنوب کرخه، نیروهای دشمن (متشکل از یک لشکر زرهی با سه تیپ، یک گردان نیروهای مخصوص، یک گردان پیاده، دو گردان کماندو، یک گردان شناسایی و ۹۰۰ نفر از افراد جیش‌الشعبی) تلاش مجددی را برای تصرف سوسنگرد آغاز کردند و موفق شدند در

تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۹ سوسنگرد را از چهار سمت به طور کامل محاصره نمایند، بدین نحو که نیرویی از دشمن، از تپه‌های الله‌اکبر به روستای سبحانی وارد شده و از شمال، سوسنگرد را تهدید نمود. ستون دیگری که از بستان تا دهلاویه پیشروی کرده بود، خود را به غرب این شهر نزدیک کرد. نیرویی از متجاوز که از سمت کرخه کور رو به شمال حرکت کرده بود، به حاشیه جنوبی شهر رسید و بالاخره ستون دیگری هم از همین سمت کرخه کور به روستای ابوحمیظه در شرق سوسنگرد رسید و ضمن تکمیل محاصره شهر از سمت شرق، جاده حمیدیه- سوسنگرد را هم قطع کرد. (معین وزیری، ۱۳۸۴: ۶۷)

عملیات غرور آفرین آزادسازی سوسنگرد

این‌گونه سخن بگوییم که انهدام نیروی خودی یعنی پیروزی قطعی دشمن، اما حفظ تمامیت نیرو در مقابل هجوم دشمن، به‌منزله پیروزی دشمن نیست. یکی از افتخارات مارشال رومل در جنگ جهانی دوم در نبردالعلمین که سبب اشتها وی نیز گردید، هدایت یک حرکات به عقب زیرکانه در مقابل هجوم مونتگمری و حفظ تمامیت نیروهایش در آن شرایط دشوار بوده است. (جمالی و رستمی، ۱۳۸۱: ۱۲۴) حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج‌البلاغه فرموده است: «گریزی که در پی آن بازگشت و شکستی که بعدازآن هجوم و تک به دشمن است، بر شما ناگوار نباشد.» (نهج‌البلاغه، ص ۹۴۷- نامه ۱۶) تیپ ۳ لشگر ۹۲ زرهی، در دهه اول آبان ۱۳۵۹، موفق شد با تعمیر تعدادی از وسایل و تجهیزات باقیمانده خود در پادگان دشت آزادگان و سازمان‌دهی مجدد نیروها، جانی تازه بگیرد و برای اجرای مأموریت‌های محوله اعتمادبه‌نفس پیدا کند. تیپ ۲ لشگر ۹۲ زرهی، گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز و گردان ۲۸۳ سوار زرهی در ۱۷ آبان ۱۳۵۹، از منطقه دزفول به منطقه اهواز تغییر مکان داده و در اختیار لشگر ۹۲ زرهی قرار گرفتند. سپاه ۳ عراق در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۵۹، به لشگر ۹ زرهی تقویت‌شده دستور داد با زیر امر گرفتن تیپ ۱۲ لشگر ۳ زرهی، در ساعت ۰۰۴۰ روز ۲۳ آبان، تک کند و سوسنگرد را تصرف و تأمین نماید.

تک نیروهای عراقی به منطقه سوسنگرد از ساعت ۰۴۳۰ روز ۲۳ آبان با پشتیبانی همه‌جانبه یگان‌های توپخانه و بالگرد از چهار محور زیر آغاز گردید:

الف - محور بستان - سوسنگرد

ب- الله‌اکبر به‌طرف شمال شرقی سوسنگرد

پ - محور جنوب شرقی هویزه - ابوحمیظه و شرق سوسنگرد

ت - محور سعدون حمودی - کوت سید نعیم

نیروهای عراقی، موفق شدند در روز ۲۳ آبان، در غرب سوسنگرد تا دهلاویه و در شرق آن تا ابوحمیظه پیشروی کنند و در شمال کرخه نیز به نزدیک این شهر برسند و حتی در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان، عناصری از یگان‌های دشمن موفق شدند از سمت جنوب وارد شهر گردیده و

یکی دو خیابان را اشغال نمایند، اما مدافعین قلیل شهر که بیشتر از نیروهای ژاندارمری سوسنگرد بودند، به‌سختی پایداری نموده و مانع از سقوط کامل شهر شدند و به‌رغم بحرانی بودن اوضاع، توانستند ضمن وارد آوردن تلفات به دشمن، ۱۳ نفر از آنان را به اسارت خود درآورند. (معین وزیری، ۱۳۸۴: ۴۱).

در چنین وضعیتی، قرارگاه نیروی زمینی در جنوب، طرح عملیاتی خیلی سریعی را تهیه کرد که بر مبنای آن تیپ ۲ لشگر ۹۲ زرهی خوزستان به فرماندهی سرهنگ امرالله شهبازی، نیروی‌های جنگ‌های نامنظم دکتر چمران به فرماندهی شهید نامبرده و گروه رزمی ۱۴۸ پیاده از لشگر ۷۷ خراسان که با مأموریت عزیمت به منطقه عملیاتی آبادان در این موقع در ایستگاه راه‌آهن اهواز از قطار پیاده شده بود، به‌منظور الحاق با مدافعین شهر و برقراری ارتباط زمینی حمیدیه - سوسنگرد اقدام به تک علیه دشمن نمایند.

بالاخره در ساعت ۰۶۰۰ روز ۲۶ آبان، آفند متقابل رزمندگان ایرانی برای درهم شکستن محاصره سوسنگرد آغاز گردید. گروه دکتر چمران در پیشاپیش یگان‌ها، تحت حمایت تانک‌های تیپ ۲ لشگر ۹۲ زرهی و هوانیروز در امتداد محور ابوحمیظه - سوسنگرد عمل می‌کردند. تیپ ۳ لشگر ۹۲ در شمال کرخه به سمت آبادی سبحانی حرکت کرد. گروه رزمی ۱۴۸ پیاده، مأموریت تأمین جناح جنوبی تیپ را بر عهده داشت. پس از دو روز مقاومت سرانجام در نتیجه حملات رزمندگان اسلام ابتدا محاصره جنوب و شرق شهر شکسته شد و سپس رزمندگان وارد شهر شدند و اشغالگران را تا پشت دیوارهای غربی شهر بیرون رانده و آن‌ها را تعقیب نموده و حدود ساعت ۱۱۰۰ اولین دسته از تانک‌های عراقی به سمت جنوب گریختند و در محور سبحانیه نیز رزمندگان توانستند دشمن را به عقب برانند. (رزاق زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۴)

حدود ساعت ۱۲۰۰ مقاومت نیروهای دشمن درهم‌شکسته شد و حلقه محاصره سوسنگرد از سمت شرق بازگردید، عناصر متجاوز از داخل شهر بیرون رانده شدند و دشمن تا رود کرخه کور عقب نشست. تک ۲۳ آبان ۱۳۵۹، آخرین تک گسترده متجاوز در صحنه عملیات خوزستان بود و بعد از این شکست، نیروهای عراقی در این قسمت از جبهه نیز در لاک دفاعی فرو رفتند. (جعفری، ۱۳۸۸: ۳۰)

برآورد اهداف تاکتیکی و راهبردی عراق از تجاوز به منطقه دشت آزادگان

متجاوز در پی اهداف تاکتیکی و راهبردی خود، تمام مناطق غربی خوزستان را از شمال تا جنوب و در عمق زیاد مورد هجوم قرار داد. برآورد می‌شود به‌احتمال قوی، عراق در تجاوز به منطقه دشت آزادگان، تمامی یا تعدادی از اهداف زیرین را دنبال می‌نموده است:

- پیوستگی جبهه شمالی و جنوبی خود در خوزستان از نقطه نظرهای تأمینی، همچنین ربط این دو جبهه از نظر تسهیل و تسریع جابجایی یگان‌های نظامی شمالی به جنوبی و بالعکس و کوتاه نمودن مسیرهای تدارکاتی و آمادی بدون دور زدن مرداب هورالعظیم در داخل عراق.
- تهدید اهواز (مرکز خوزستان) از سمت غرب و از محور بستان، سوسنگرد، حمیدیه، اهواز و محور کرخه کور- حمیدیه، اهواز.
- تصرف شهرهای عرب‌زبان بستان، سوسنگرد و حمیدیه با تصور استقبال مردم این منطقه از انضمام به عراق.
- دور نگه داشتن شهر حلفائیه و استان عماره عراق از دسترس نیروهای مسلح ایران در یک حمله متقابل (این منظور با تصرف زمین‌ها و مناطق مناسب پدافندی در داخل خاک ایران مانند تنگ چزآبه و ارتفاعات الله اکبر امکان‌پذیر می‌گردید). (بختیاری، ۱۳۸۰: ۴۶)

به‌کارگیری اصول جنگ در عملیات آزادسازی سوسنگرد:

اصول جنگ^۱ از تعدادی قواعد کلی برای هدایت نبرد تشکیل یافته است. حقایق مسلم بر میدان نبرد اصول جنگ را می‌سازد. کاربرد به‌موقع و مؤثر آن‌ها در به دست آوردن پیروزی اثر قاطع دارد. اصول جنگ مورد قبول نیروهای مسلح ج.ا.ایران شامل نه قسمت است که عبارت‌اند از: اصل هدف - اصل آفند یا تعرض - اصل تمرکز - اصل صرفه‌جویی در قوا - اصل تحرک - اصل غافلگیری - اصل تأمین - اصل سادگی - و اصل مانور. این اصول تقریباً در تمام ارتش‌های جهان ثابت هستند گرچه ممکن است تفاوت‌هایی در ارجحیت‌ها و تعداد آن‌ها وجود داشته باشد (رستمی: ۱۳۸۶).

(۱) اصل هدف

اصل هدف در عملیات سوسنگرد همان‌گونه که حضرت امام (ره) فرمودند آزادسازی سوسنگرد در ظرف زمانی مشخصی بود. سوسنگرد به‌عنوان هدف روشن عملیات بعد از اهواز و آبادان و خرمشهر و دزفول پنجمین شهر بزرگ و پراهمیت خوزستان است و مرکز اصلی منطقه هم‌میهنان عرب‌زبان ایرانی می‌باشد. دشت آزادگان که در غرب اهواز از حمیدیه تا مرز بیش از یکصد کیلومتر طول و از شمال بستان تا کوشک و جفیر بیش از ۸۰ کیلومتر عرض دارد بزرگ‌ترین منطقه عرب‌زبان کشور ایران است که شهر سوسنگرد در مرکز این منطقه قرار گرفت و در دست داشتن سوسنگرد سبب در اختیار گرفتن تمامی این منطقه هشت هزار کیلومترمربع می‌گردد؛

بنابراین شهر سوسنگرد مهم‌ترین و حساس‌ترین هدف در منطقه دشت آزادگان است به همین علت ارتش متجاوز عراق پس از ناامید شدن از اشغال اهواز تصمیم گرفت سوسنگرد را مورد تحدید قرار دهد تا با تصرف آن علاوه بر هدف نظامی به قسمتی از هدف سیاسی و به اصطلاح قومی برسد چنانکه هنوز این شهر تصرف نکرده تبلیغات بسیار گسترده‌ای در تمام رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی به راه انداخت و آن را یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌های ارتش مزدور عراق قلمداد کرد به همین دلایل برای ما نیز شهر سوسنگرد در منطقه غرب اهواز رودخانه کرخه در شمال و کرخه کور در جنوب قرار داشت و در صورتی که نیروهای متجاوز موفق به تصرف و تأمین آن می‌شدند می‌توانستند با اتکا به این رودخانه‌ها و عرض محدود بین آن‌ها حداقل تمام قسمت غربی سوسنگرد و هویزه را در کنترل داشته باشند بنابراین از لحاظ نظامی و سیاسی سوسنگرد یک هدف حساس و حیاتی این منطقه هم برای ما و هم برای نیروهای متجاوز بود.

(۲) اصل آفند

به نظر می‌رسد یکی از مؤثرترین عوامل در موفقیت نیروهای ما در عملیات سوسنگرد اجرای اصل آفند بود، زیرا همان‌گونه که در اصول دیگر گفته شد تیپ ۲ زرهی کمتر از ۵ روز بود از منطقه دزفول به اهواز تغییر مکان داده شده بود و این تیپ به علت شرکت بیش از یک ماه در عملیات بسیار سخت و اجرای عقب‌نشینی از عین خوش و دو سلک به شرق رودخانه کرخه و از دست دادن بیش از ۵۰ درصد توان رزمی آمادگی کافی برای شرکت در حمله نداشت؛ و از طرفی دشمن که سرسختانه از ۴ قسمت شرق سوسنگرد را محاصره کرده و تحت فشار قرار داده بود؛ و در صورت تصرف کامل شهر و تثبیت وضعیت می‌توانست مواضع مستحکم در شرق سوسنگرد ایجاد کند و در مقابل هرگونه حمله نیروهای ما پایداری نماید؛ و بهترین راه کار برای ناکام کردن دشمن حمله سریع به دشمن بود که این عمل انجام شد. لازم به یادآوری است که به علت عدم آمادگی تیپ برای حمله پس از تصمیم گرفتن برای حمله فرمانده نیروی زمینی بر مبنای تشریح وضعیت تیپ به وسیله فرمانده لشکر در روز ۲۵ آبان تصمیم خود را تغییر داد و به لشکر دستور داد که طرح حمله را تا دستور مجدد متوقف سازد ولی خوشبختانه دستور فرمانده نیرو هنگامی که به لشکر و تیپ ۲ ابلاغ شد که تیپ از ساعت ۲۰۰۰ روز ۲۵ آبان ماه تغییر مکان را آغاز کرده و قسمتی از طرح به مورد اجرا گذاشته بود، این حسن تصادف سبب شد که به لشکر دستور داده شد طرح را طبق برنامه از ساعت ۰۶۳۰ روز ۲۶ آبان اجرا نماید و همین سرعت عکس‌العمل سبب غافل گیر شدن دشمن و شکست او و پیروزی نیروهای ما گردید.

(۳) اصل وحدت فرماندهی

در عملیات آزادسازی سوسنگرد باوجوداینکه جانشین رئیس ستاد مشترک و فرمانده نیروی زمینی ارتش در روز عملیات در منطقه سوسنگرد حاضر بودند ولی فرماندهی و رهبری عملیات به لشکر ۹۲ زرهی محول شده و فرمانده لشکر ۹۲ زرهی نیز باوجوداینکه شخصاً درصحنه عملیات حاضر بود ولی اختیار کامل هدایت عملیات را به فرمانده تیپ ۲ زرهی واگذار کرده بود. همچنین شهید دکتر چمران که در طی ۲ ماه جنگ عملاً فرماندهی جبهه حمیدیه سوسنگرد را عهده‌دار بود، ولی در روز ۲۶ آبان ۵۹ دخالت مستقیمی در هدایت عملیات تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی نکرد درنتیجه وحدت فرماندهی به نحو مطلوبی اجرا و رعایت گردید و فرماندهان رده‌های بالای نظامی حاضر در منطقه در امر فرماندهی و کنترل تیپ دخالتی نکردند.

(۴) اصل مانور

با توجه به این‌که خط محاصره شهر عبارت بود از سمت شمال آبادی سبحانی در شمال کرخه از سمت شرق حوالی آبادی ابوحمیظه ده کیلومتری شرق شهر سوسنگرد از جنوب حاشیه جنوبی شهر و از غرب رودخانه مالکیه که البته نیروهای دشمن از این خط تا داخل شهر سوسنگرد را اشغال کرده بودند لذا در طرح مانور نیروهای خودی چنین طرح‌ریزی شده بود که نیروی تک‌ور ما می‌بایستی از جهات مختلف به خط محاصره شهر حمله می‌کرد برای این منظور گردان ۲۶۱ تانک تیپ ۳ لشکر ۹۲ در شمال کرخه مأموریت داشت به آبادی سبحانی حمله کند؛ تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی با دو گروه رزمی در خط از سمت شرق حمله می‌کرد و توپخانه لشکر ۹۲ زرهی در جبهه الله‌اکبر با اجرای آتش‌بر دشمن عناصر لشکر را پشتیبانی کرده و ضمن اینکه نیروی هوایی و هوانیروز فعالانه عناصر زمینی خصوصاً حرکت تانک‌های لشکر ۹۲ زرهی را پشتیبانی می‌کردند. نیروی نامنظم دکتر چمران در خط مقدم حمله با جنگ‌افزارهای ضدتانک به دشمن یورش آورده و عناصر محاصره‌شده نیز از داخل شهر در سمت غرب رودخانه مالکیه و در سمت جنوب محور هویزه مقاومت کردند تا اراده خلل‌ناپذیر خود را به دشمن نشان داد و بر آن‌ها چیره شوند. این فعالیت همه‌جانبه به‌عنوان طرح مانور یگان‌های عمل‌کننده، سبب ایجاد وحشت و ضعف اراده در دشمن گردید و پیروزی عملیات را تسهیل نمود.

(۵) اصل سادگی

نظر به اینکه زمین منطقه عملیات مسطح و هموار بود و تنها عارضه مشخص در سمت شرقی غربی حمله جاده حمیدیه سوسنگرد بود و نیروهای حمله‌ور لشکر ۹۲ زرهی مجبور بودند در این زمین باز به سمت سوسنگرد پیشروی کنند لذا الزاماً طرح کلی ساده بود تنها مسئله‌ای که از این

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ..... ۲۳

لحاظ وجود داشت این بود که عناصر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در حوالی آبادی گل بهار بایستی از گروه رزمی ۱۴۸ پیاده و گروهان دوم گردان ۱۰۰ مکانیزه عبور از خط می‌کرد؛ و این خط عملاً به جای اینکه به صورت عرضی باشد به صورت عمقی بود یعنی دو یگان یادشده در سمت شرقی، غربی در شمال جاده حمیدیه سوسنگرد گسترش داشتند و به سمت جنوب دفاع می‌کردند و عناصر تیپ ۲ زرهی باید از مقابل آن‌ها عبور می‌کردند نه از خط گسترش آن‌ها و مسئله دوم اینکه عناصر گروه نامنظم دکتر چمران تماس خود را در خط محاصره با دشمن حفظ کرده بودند البته بعد از حمله دشمن در ۲۳ آبان ماه این عناصر در غرب آبادی جلالیه اخذ تماس کرده بودند لذا تیپ ۲ زرهی باید در وصول به خط تماس با دشمن با گروه نامنظم نیز هماهنگی می‌کرد تا آن‌ها را تحت آتش خودی قرار نمی‌داد.

(۶) اصل غافلگیری

با توجه به اصل غافلگیری لازم است یادآوری شود که قبل از حمله نیروهای دشمن به سوسنگرد نیروهای ما در منطقه اهواز بسیار محدود بود و فقط تیپ یک لشکر ۹۲ زرهی در این منطقه حضور داشت که آن‌هم در جنوب غربی اهواز با دشمن درگیر بود و دشمن این موضوع را می‌دانست؛ اما تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در تاریخ ۷ آبان ماه ۵۹ تلفات و ضایعات زیاد نیاز مبرم به تجدید سازمان داشت. در تاریخ ۱۷ آبان از دزفول به اهواز تغییر مکان داده شد و حدود ۲۰ آبان تغییر مکان این تیپ کامل شده و احتمالاً دشمن در حمله روز ۲۳ آبان اطلاعی از این تغییر مکان نداشت یا آن را خیلی کم‌اهمیت فرض کرده بود و شاید هم تصمیم گرفته بود قبل از اینکه تیپ ۲ زرهی در منطقه اهواز آمادگی عملیاتی پیدا کند شهر سوسنگرد را - اشغال نمایند؛ لذا وارد عمل شدن تیپ ۲ زرهی در منطقه سوسنگرد برای دشمن غیرمنتظره بود بعلاوه بعد از حمله ناموفق لشکر ۲۱ پیاده در منطقه دزفول نیروهای ما در خوزستان کاملاً حالت پدافندی به خود گرفته بودند و دشمن تصور می‌کرد ارتش ایران به این زودی قدرت اجرای یک عملیات آفندی را نخواهد داشت. این عوامل سبب غافلگیری دشمن شد و فرصت نداد که دشمن برای تصرف کامل شهر و حمله سریع با اجرای یک راهپیمایی ۶۰ کیلومتری از اهواز تا شرق سوسنگرد اقدام کند؛ و این مهم در پیروزی نیروهای ما و شکست دشمن بسیار مؤثر بود.

(۷) اصل تمرکز قوا

باید اعتراف کرد که نیروهای ما در ماه‌های اول جنگ نسبت به توانایی چشمگیر دشمن آن‌چنان توانایی نداشتند تا امکان تمرکز یک نیروی قابل ملاحظه نسبت به استعداد رزمی دشمن در یک جبهه داشته باشند باوجود تغییر مکان تیپ ۲ زرهی از شمال اندیمشک به اهواز گرچه برای این

عملیات (آزادسازی سوسنگرد) ولی از آغاز تجاوز ارتش عراق به خصوص بعد سقوط شهر و عبور نیروهای دشمن از کارون و محاصره آبادان خطر ایجاد تهدید جدی دشمن در منطقه اهواز خیلی شدید احساس می شد و احساس این خطر از دو جبهه شرق و غرب اهواز احساس می شد؛ زیرا دشمن که موفق نشده بود از سمت جنوب به اهواز دسترسی پیدا کند ممکن بود در جنوب کوت عبدالله از رودخانه کارون بگذرد و اهواز را از سمت شرق محاصره کند و یا اینکه از سمت غرب خود را به حمیدیه یا سوسنگرد برساند و حمله به اهواز را از سمت غرب اجرا نماید و برای مقابله با این تهدیدات قرارگاه جنوب تصمیم گرفت حداقل یک تیپ در منطقه اهواز مستقر سازد تا در صورت به اجرا درآمدن این تهدیدات وارد عمل گردد و برای این منظور تیپ ۲ سازمانی لشکر ۹۲ زرهی در منطقه عملیاتی دزفول آزاد کرد و به اهواز اعزام نمود و این پیش بینی بسیار به موقع و بجا خبر به آوردن یکی از موفقیت های بزرگ در منطقه عملیات خوزستان گردید.

(۸) صرفه جویی در قوا

اصولاً به علت اینکه در ماه های اول عملیات و حتی می توان گفت در سال اول جنگ ما نیروی رزمنده کافی نسبت به استعداد و توان رزمی دشمن در اختیار نداشتیم، حداکثر صرفه جویی در قوا در تمام جبهه ها به اجبار رعایت می شد و در اکثر جبهه ها نیروهای مدافع ما حتی به لحاظ استعداد در حد نیروی مواضع سد کننده نیز نبود و احتیاطی در اختیار نداشتند؛ و به ناچار در حد پرده پوشش عمل می کردند. چنان که در جبهه اهواز قبل اعزام تیپ ۲ زرهی از منطقه دزفول به اهواز (۲۰ آبان) لشکر ۹۲ زرهی در جبهه کرانه شرقی رودخانه کارون تا سوسنگرد و بستان ۱۵۰ کیلومتر بود فقط یک تیپ تقویت شده داشت که عملاً کل استعداد رزمی این تیپ به سه گردان نمی رسید. به عنوان مثال دو گردان تانک این تیپ (۲۳۱-۲۶۴) جمعاً حدود ۲۰ دستگاه تانک داشتند و همچنین دو گردان تانک تیپ ۲ زرهی در هنگام اجرای حمله ۲۶ آبان حدود ۳۰ دستگاه تانک داشت بنابراین اصل صرفه جویی در قوا الزاماً رعایت می شد.

(۹) اصل تأمین

در خصوص رعایت اصل تأمین در عملیات سوسنگرد باید گفت: اعزام تیپ ۲ زرهی از منطقه دزفول به منطقه اهواز قبل از احتمال حمله دشمن به منظور رعایت اصل تأمین بود زیرا همان گونه که در اصل تمرکز قوا گفته شد شهر اهواز علاوه بر سمت جنوب از سمت غرب و شرق نیز مورد تهدید قرار داشت؛ و تنها عناصر تأمین در دو جناح منطقه اهواز در شرق کارون و محور حمیدیه سوسنگرد عناصر ژاندارمری، عناصر بسیج محلی و گروه ها که از سپاه پاسداران و نیروهای نامنظم دکتر چمران بودند که این عناصر به صورت پرده پوشش در روستاها مستقر بودند

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ.....۲۵

و دشمن در صورت تمایل می‌توانست به‌سادگی این پرده را بشکافد. لذا به‌منظور تأمین منطقه اهواز تیپ ۲ زرهی به آن منطقه اعزام شد و مؤثر واقع شد؛ اما در حین اجرای حمله نیز این اصل رعایت شد تیپ ۳ لشگر ۹۲ زرهی که در شمال رودخانه کرخه و شرق تپه الله‌اکبر در تپه‌های ۷۰ مواضع دفاعی در مقابل نیروهای دشمن اشغال کرده بود. مأموریت یافت ضمن اجرای یک حمله محدود به آبادی سیحانی در شمال کرخه نیروهای دشمن مستقر در شمال رودخانه را سرگرم سازند تا بتوانند حداقل آتش خود را به نفع نیروهای جنوب کرخه روانه سازند و در محور حمیدیه -سوسنگرد نیز گروه رزمی ۱۴۸ پیاده که شامل یک گردان پیاده و یک گروهان تانک ام ۴۷ از لشگر ۷۷ پیاده خراسان و یک گروه مکانیزه از گردان ۱۰۰ تیپ ۳ لشگر ۹۲ زرهی مستقرشده بود مأموریت تأمین منطقه عقب تیپ ۲ زرهی را داشت، زیرا دشمن به‌سادگی می‌توانست پس از نزدیک شدن تیپ ۲ زرهی به شهر سوسنگرد از هر نقطه جبهه عریض ۲۰ کیلومتری بین حمیدیه سوسنگرد از جنوب به شمال حمله کند و عقب تیپ ۲ زرهی را قطع نماید و با استقرار گروه رزمی ۱۴۸ و گروه مکانیزه امکان این تهدید احتمالی به دست آمد.

جدول شماره ۲-۳، نتیجه کلی کاربرد اصول جنگ در عملیات سوسنگرد

میزان کاربرد	بسیار خوب	مطلوب	متوسط	ضعیف	اصول به کار گرفته نشده
اصول جنگ	*	-	-	-	-
اصل هدف	*	-	-	-	-
اصل آفند	*	-	-	-	-
اصل تمرکز قوا	-	-	*	-	-
اصل صرفه‌جویی در قوا	*	-	-	-	-
اصل تأمین	-	-	*	-	-
اصل مانور	-	*	-	-	-
اصل وحدت فرماندهی	*				
اصل غافلگیری	-	*	-	-	-
اصل سادگی	-	*	-	-	-

نتیجه‌گیری:

دوران دفاع مقدس یکی از مقاطع فراموش‌نشدنی و بی‌نظیر تاریخ ایران و خود یک مقطع تاریخی بسیار مهم است که پیامدهای سیاسی، نظامی و اجتماعی آن همواره ادامه دارد. در این میان سال اول جنگ از اهمیت دوچندانی برخوردار است، زیرا در این سال است که استراتژی دشمن با

شکست کامل مواجه گردید؛ از این رو بررسی واکنش ایران به تهاجم ارتش عراق خصوصاً در سال اول جنگ از آن جهت بسیار مهم و ضروری است که این بررسی می‌تواند، ارزیابی دقیقی از عملکرد ارتش ج.ا.ایران مبنی بر شکست استراتژی نظامی عراق به دست دهد. اقدامات سال اول جنگ خصوصاً طرح‌ریزی و اجرای عملیات نیمه گسترده مانند عملیات آزادسازی سوسنگرد از عوامل مؤثر بر ناکامی و شکست ارتش عراق در طول سال‌های بعدی دفاع مقدس است. ارزش اقدامات ارتش ج.ا.ایران در سال اول جنگ و کسب پیروزی سوسنگرد زمانی بیشتر قابل‌درک است که به مفروضات عراق در تهاجم نظامی به ایران بر پایه آسیب‌پذیری‌های که حاصل از نتیجه سیاسی، نظامی و امنیتی پیروزی انقلاب در داخل ایران بود توجه گردد و از طرفی به برخورداری عراق از برتری در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی نیز به‌خوبی بررسی شود. بر اساس فرضیات ارتش عراق و شخص صدام حسین حمله نظامی گسترده به غافلگیری منجر شده و به‌مثابه شوک نظامی موجب تسلیم زود هنگام ایران خواهد شد؛ اما واکنش دفاعی ایران در چارچوب مفهوم جنگ صرفاً دفاعی در ماه‌ها و سال اول جنگ، کلیه محاسبات دشمن را در هم‌ریخت. در همان ماه‌های اول و خصوصاً بعد از کسب پیروزی در عملیات سوسنگرد پیامدهای جنگ در منطقه، همراه با آشکار شدن ناتوانی‌های عراق از یک‌سو و مقاومت در مقابل او و همچنین نتایج عملیات نیمه گسترده آفندی از جمله عملیات آزادسازی سوسنگرد، نشان شکست رؤیای پادشاهی‌های عراقی‌ها بود، به‌طوری‌که منطق جنگی طولانی را به آن‌ها تحمیل کرد و زمینه‌های لازم به‌منظور طرح-ریزی‌های عملیات بزرگ دفاع مقدس را شکل داد. مجموع این ملاحظات روشن می‌کند که عراق و بخش اعظم جهان، قدرت نظامی و اراده سیاسی ایران را نادیده گرفته بودند.

طی یک نتیجه‌گیری کلی از آزادسازی سوسنگرد، باید گفت: عملیات آزادسازی سوسنگرد مبنای تعرض متقابل و موفقیت‌آمیز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علیه نیروهای متجاوز عراق در سال اول جنگ است. این عملیات توسط لشکر ۹۲ زرهی طرح‌ریزی و اجرا شد و به موفقیت کامل دست‌یافت. این عملیات هرچند از عملیات نیمه گسترده ایران علیه ارتش متجاوز عراق اجرا شد، اما به لحاظ مسائل زیر از درجه اعتبار و ارزش سیاسی و نظامی زیادی برخوردار است. این عملیات که در جبهه میانی از صحنه‌ی عملیاتی جنوب (خوزستان) اجرا گردید، تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی مسئولیت پدافند از منطقه را بر عهده داشت و از همان ابتدا در خطوط مرزی با دشمن درگیر شد و با اجرای عملیات تأخیری به تپه الله‌اکبر عقب‌نشینی کرد و مواضع پدافندی را که در همین تپه پیش‌بینی شده بود را اشغال نمود. این تیپ موفق شد پیشروی دشمن را تا اواخر مهرماه ۱۳۵۹ در غرب ارتفاع الله‌اکبر متوقف سازد؛ اما در اواخر مهرماه به علت فشار نیروهای متجاوز بعثی تا تپه‌های

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ..... ۲۷

شرقی عقب‌نشینی کرد. در نتیجه کنترل شمال الله‌اکبر و سوسنگرد در اختیار دشمن قرار گرفت. از این‌رو دشمن تهدید خود را جهت اشغال سوسنگرد افزایش داد، اما مقاومت رزمندگان در داخل شهر سوسنگرد مانع از اشغال آن شد؛ در دهه سوم آبان ماه ۱۳۵۹ دشمن موفق شد نیروهای ما را در منطقه‌ی سوسنگرد به داخل شهر عقب براند و محور حمیدیه و سوسنگرد را قطع نموده و شهر را به محاصره کامل درآورد. در این زمان به لحاظ هوشیاری مسئولین خصوصاً مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا که در آن زمان نماینده حضرت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع بودند، سبب شد تا لشکر ۹۲ زرهی اهواز با استفاده از تیپ ۲ زرهی و سایر یگان‌های سازمانی و زیر امر محاصره شهر سوسنگرد را شکسته و نیروهای دشمن را نابود و یا به عقب براند. لشکر ۹۲ زرهی اهواز همچنین موفق شد با تیپ ۲ و ۳ زرهی و همکاری گروه نامنظم شهید چمران و نیروهای سپاه پاسداران و گردان پیاده ۱۴۸ از لشکر ۷۷ همیشه پیروز خراسان، درحالی‌که از پشتیبانی هوایی مناسبی برخوردار بودند، نیروهای دشمن را از محور حمیدیه - سوسنگرد عقب رانده و شهر سوسنگرد را در ۲۶ آبان ماه سال ۱۳۵۹ از محاصره دشمن خارج کند.

نتایج نظامی و سیاسی عملیات شکست محاصره سوسنگرد

این عملیات که از حیث طرح‌ریزی و وسعت منطقه آزادشده در قالب عملیات نیمه گسترده نیروهای مسلح ج.ا.ایران است دارای نتایج ارزنده‌ای می‌باشد که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم. نتیجه این عملیات از آن‌جهت سرنوشت‌ساز بود؛ چراکه طی آن مسائل مهمی به وجود آمد که در سرنوشت جنگ مؤثر بود از جمله این مسائل عبارت‌اند از:

- شکست استراتژی صدام در ایجاد غافلگیری و جنگ برق‌آسا در صحنه عملیات جنوب که به لحاظ جغرافیایی و شرایط محیطی مناسب برای به‌کارگیری یگان‌های زرهی است. صدام حسین پس از توقف ارتش متجاوز عراق در تمام جبهه‌ها و شکست مقتضاحنه در تصرف جزیره آبادان و شکست راهبرد خود برای کسب پیروزی در یک هفته و زمین‌گیر شدن، بالاخره عراقی‌ها خیلی زود متوجه شدند که برای حفظ روحیه ارتش عراق و حفظ حیثیت تخیلی سیاسی و نظامی نیاز به یک موفقیت جدید دارند و برای رسیدن به این منظور بهترین هدف شهر سوسنگرد بود که با تصرف آن می‌توانست بوق‌های تبلیغاتی را به صدا درآورد چنانکه همین کار را هم کرد، اما نتایج آن کاملاً عکس این توهمات بود و حتی اثرات منفی نیز داشت زیرا صدام متوجه شد که ارتش عراق قدرت آفتندی خود را به کلی از دست داده است

و دنیا هم متوجه این ضعف ارتش عراق شد و از طرفی دنیا نیز به تصمیم و اراده و ایمان و توانائی ملت و ارتش و سایر قوای مسلح ایران در دفاع از خود پی برد.

• نگهداری سوسنگرد برای ملت ما علاوه بر حفظ وضعیت روانی برتر از نظر نظامی نیز در دفاع کلی از خوزستان اثرات و ارزش فوق العاده‌ای داشت و زیرا در صورتی که سوسنگرد به اشغال متجاوزین درمی آمد نیروهای متجاوز می توانستند به تدریج به سمت حمیدیه و دشت آزادگان پیشروی کنند و شهر اهواز را از سمت غرب نیز به طور جدی مورد تهدید قرار دهند یا حداقل تمام منطقه دشت آزادگان را که یک منطقه ایرانی عرب زبان است را در کنترل خود بگیرند و از این موفقیت بهره برداری های سیاسی بسیاری نماید و همچنان با دامن زدن به اختلافات قومی در صدد پوشش نقاط ضعف خود برآمدند.

• اعمال مدیریت جهادی از سوی مقام معظم رهبری؛ هرچند که اصطلاح مدیریت جهادی که توسط معظم له در دوران پس از سال های دفاع مقدس به عنوان یک تئوری مدیریتی بیان و ابداع گردیده و به عنوان یک اصل مدیریتی وارد فرهنگ هدایت و مدیریت سازمان های لشکری و کشوری گردیده است، در عملیات سوسنگرد به خوبی قابل لمس و احساس است و می توان در هدایت عملیات سوسنگرد جلوه هایی از این نوع مدیریت و فرماندهی را مشاهده نمود. اینکه مدیریت و فرمانده خسته و مأیوس نشود - ایمان به موفقیت و پیروزی داشته باشد و مردم محور بوده و با برنامه عمل کند، همگی از معیارهای مدیریت جهادی است. فرمان حضرت امام (ره) در مورد شکست حصر سوسنگرد مدیریت جهادی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا و مباشرت شهید فلاحی و سایر فرماندهان فداکار آن صحنه ی مجاهدت جملگی از مصادیق و جلوه های عینی اعمال مدیریت جهادی است که به خوبی اجرا گردیده و به نتیجه رسید.

• نیروهای ما با توجه به شکست هایی که در ماه اول جنگ که متحمل شده بودند نیاز به پیدا کردن اعتماد به نفس و اطمینان به پیروزی نهائی داشتند و این عملیات برای رزمندگان ما حاصل شد و ملت ما و نیروهای مسلح ما اعتماد پیدا کردند با پایداری و مقاومت اتکا به خداوند بزرگ و باروحیه ملی می توان تسخیرناپذیر بود. ملت ایران به این نتیجه ارزشمند رسید که باوجود همه مشکلات و کمبودها و توطئه های خارجی و داخلی ما قادر هستیم ارتش متجاوز را از میهن اسلامی خود بیرون رانده و بر او چیره شویم.

• عملیات آزادسازی سوسنگرد نتیجه یک عملیات کاملاً کلاسیک بود. همچنان که عملیات های بزرگ ثامن الائمه؛ طریق القدس؛ فتح المبین و بیت المقدس نیز نتیجه طرح ریزی کلاسیک می باشند. این نبرد تجربیات نظامی زیادی به رزمندگان ما آموخت که از مهم ترین آن ها

داشتن روح آفندی و میل به جنگجویی، سرعت عکس‌العمل، بزرگ نکردن و کمبودها، قبول خطر و سرعت و جرئت اتخاذ تصمیم‌گیری، هماهنگی نیروهای مسلح ج.ا.ایران و استفاده صحیح از امکانات موجود را می‌توان نام برد. به‌طور کلی و همان‌گونه که تشریح گردید در این عملیات با رعایت قوانین و اصول اساسی در رزم کلاسیک خصوصاً رعایت اصل هدف - وحدت فرماندهی - اصل غافلگیری و اصل آفند لشکر ۹۲ زرهی اهواز عملیات کلاسیک و مناسبی را طرح‌ریزی و اجرا نمود که هرچند این عملیات به لحاظ گستردگی از انواع عملیات نیمه گسترده است، اما نتیجه آن ارزشمند و کاملاً موفقیت‌آمیز بود. این عملیات از جنبه‌های تاکتیکی و تکنیکی نقاط برجسته‌ای و بعضاً نقاط ضعفی نیز در برداشت که در مراحل مختلف طرح‌ریزی و هدایت عملیات مؤثر بودند و اهم آن‌ها به شرح زیر می‌باشند:

الف - نقاط برجسته

- نقش بی‌بدیل و حضور مقام معظم رهبری در صحنه‌ی نبرد و همچنین هوشیاری ایشان در ابلاغ دستور امام (ره) مبنی بر اینکه سوسنگرد باید آزاد گردد.
- امکان دستیابی دشمن از این محور به سمت اهواز و تهدید یا اشغال آن به حداقل کاهش یافت.
- سوسنگرد اولین شهری بود که از محاصره و اشغال دشمن آزاد گردید که این موضوع علاوه بر اهمیت نظامی دارای ارزش‌های سیاسی زیادی بود.
- سرعت عکس‌العمل با توجه به مسافت مبدأ حرکت واحد عمل‌کننده تا منطقه نبرد بسیار خوب بود و تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در مدت ۲۴ ساعت موفق شد برای عملیات در یک منطقه جدید آماده و طرح‌ریزی‌های لازم را اجرا نماید. این تیپ ۶۰ کیلومتر تغییر مکان داده و بلافاصله آماده تک‌گردید.
- روح مبارزه‌جویی و میل به جنگ در کلیه رزمندگان اسلام عالی بود کارکنان تیپ و سایر رزمندگان نظامی و غیرنظامی با سلحشوری قابل توصیفی با دشمن‌ستیز کردند و او را نابود یا وادار به فرار نمودند.
- مقاومت و پایداری مدافعین شهر حماسه‌ای بود که آنان با وجود محاصره کامل و عدم امکان پشتیبانی و کمک‌رسانی حتی از راه هوا و بالگرد مردانه مقاومت کردند و کوچه به کوچه با دشمن جنگیدند و مانع اشغال شهر به‌وسیله دشمن شدند. درحالی‌که امید چندانی به زنده ماندن و آزاد شدن نداشتند، شهادت و آزادی واقعی را بر زنده ماندن و تسلیم شدن ترجیح دادند.

- این پیروزی بزرگ (عملیات سوسنگرد) نتیجه قطعی یک همکاری و هماهنگی نزدیک بین نیروهای ارتشی و مردمی بود؛ به طوری که هیچ یک به تنهایی قادر به انجامش نبودند.
- هدایت عملیات، فرماندهی و کنترل در تیپ ۲ لشکر زرهی اهواز بسیار خوب بود. در این نبرد به علت رعایت اصل آتش و حرکت که امکان پیشروی را میسر نمود، تلفات و ضایعات خودی فوق العاده کم بود.
- پشتیبانی و آتشباری یگان‌های توپخانه بسیار مؤثر بود؛ نظر به اینکه توپخانه در تپه‌های شمالی رودخانه کرخه مستقر بود و آتش جانبی اجرا می‌کرد دیده‌بانی خوب بود و با وجود اینکه به اجبار قسمتی از آتش‌ها به داخل میدان اجرا می‌شد ولی تلفاتی متوجه نیروهای خودی نگردید.
- پشتیبانی نیروی هوایی و بالگردهای هجومی هوانیروز بسیار عالی انجام گردید و علاوه بر وارد آوردن خسارت شدید به دشمن در کسب پیروزی مؤثر واقع شد. دلاوری‌ها و جانبازی‌های خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز طوری بود که نمی‌توان آن‌ها را توصیف کرد.
- رزمندگان ۱۵ استان کشور (آذربایجان شرقی، اصفهان، البرز، بوشهر، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، قم، قزوین، سمنان، لرستان، مازندران، اراک و یزد) در قالب نیروهای ارتشی، مردمی، ستاد جنگ‌های نامنظم و سپاه پاسداران در این عملیات غرورآفرین مشارکت داشتند.
- به طور کلی با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت: ساده‌اندیشی است که اگر باور داشته باشیم توقف ارتش عراق ناشی از وصول به اهداف پیش‌بینی شده برابر طرح‌ریزی‌های انجام‌شده قبلی بوده است. تجربه و تحلیل کارشناسان نظامی نشانگر این است که ارتش عراق به جز تصرف ناتمام خرمشهر به هیچ‌کدام از اهدافش هرگز دست نیافت و رؤیاهای سیاسی، نظامی و اقتصادی صدام برای دستیابی به پیروزی‌های بزرگ و سریع در همان ماه‌های اول جنگ به کابوسی هولناک تبدیل گردید و هشت سال به طول انجامید.

ب- نقاط ضعف

- مهم‌ترین مشکلی که برای نیروهای ما مسئله آفرین بود کمی امکانات ترابری و وسایل سنگین بود.
- ضعف امکانات تعمیر و نگهداری در صحنه‌ی نبرد مشهود بود.

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ..... ۳۱

- نداشتن سازمان سیستم فرماندهی و کنترل در رزمندگان غیرنظامی احتمالاً یکی از عوامل عدم موفقیت در خنثی کردن تهاجم اولیه نیروهای دشمن و محاصره شدن شهر بود.
- دور تک با توجه به کمبود توان رزمی نسبی پایین بود و اگر عملیات به تأخیر می افتاد یا به نحو دیگر اجرا می شد احتمال عدم موفقیت خیلی زیاد بود.
- پس از کسب موفقیت و شکستن محاصره شهر عدم اجرای استفاده از موفقیت به علت کمبود توان رزمی واحدها سبب از دست رفتن یک فرصت بسیار مناسب برای تعاقب و عقب راندن یا نابود کردن دشمن در شمال کرخه کور شد و دشمن موفق شد شمال کرخه کور را حفظ کند.

پیشنهاها:

۱. توسط سایر دانشجویان و محققین میزان تأثیر هر یک از اصول جنگ در کسب موفقیت عملیات ارزیابی گردد.
۲. میزان تطبیق اول به کار گرفته شده در عملیات با اصول مورد قبول آجا با تهیه پرسش نامه به صورت علمی بررسی و تجزیه و تحلیل گردد.

منابع

- کتاب شریف نهج البلاغه مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام
- آراسته، ناصر، ۱۳۸۸، کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس، تهران، ایران سبز
- آراسته، ناصر، ۱۳۹۱، چرا و چگونه باید از جنگ بدانیم؟ تهران، ایران سبز
- اردستانی، حسین، تاریخ شفاهی محسن رضایی در دوران دفاع مقدس، مقاله ۳، دوره ۱۲، شماره ۴۶، پاییز ۱۳۹۲
- انصاری، مهدی، ۱۳۸۶، روزشمار هجوم سراسری عراق (مرور کلی بر زمینه سازی هجوم)، دوره ۳، شماره ۹، مقاله ۶
- بختیاری، مسعود، ۱۳۸۰، عملیات طریق القدس و آزادسازی شهر بستان، تهران، انتشارات ایران سبز

- بختیاری، مسعود، ۱۳۷۸، عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر، تهران، انتشارات ایران سبز.
- پارسا دوست، منوچهر، ۱۳۶۹، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار
- پور داراب، سعید، ۱۳۸۰، عملیات بیت‌المقدس (کربلا ۳)، تهران، انتشارات ایران سبز.
- جعفری، مجتبی، ۱۳۸۸، اطلس نبردهای ماندگار، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس.
- جعفری، مجتبی و غفوری، علی، ۱۳۹۰، آخرین نبرد، تهران، انتشارات سوره سبز.
- جمالی، علی اصغر و رستمی، محمود، ۱۳۸۱، تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ، تهران انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع)
- رزاق زاده، امیر، ۱۳۹۱، نبرد طریق‌القدس، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس
- ستوده، امیررضا، ۱۳۷۳، پا به پای آفتاب، جلد دوم، تهران، انتشارات پنجره
- سند شماره ۱۷۵۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش سپاه خوزستان از عملیات سوسنگرد، ۱۳۵۹/۸/۳۰
- سند شماره ۱۷۰۹، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: دفتر سیاسی انتظامی استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۸/۲۶
- سند شماره ۱۷۰۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بولتن خبری ۲۴ ساعته «واحد اطلاعات سپاه خوزستان، شماره ۴۸، ۱۳۵۹/۸/۲۶
- سند شماره ۲۱۴۷۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش پاسداران اعزامی از تبریز به منطقه سوسنگرد، ۱۳۵۹/۸/۳۰
- سند شماره ۱۷۰۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: طرح عملیاتی شماره ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز، ۱۳۵۹/۸/۲۵ - ۱۸ - ۲۰ - شبکه اطلاع‌رسانی ساختمان ایران، ۲ مهر ۱۳۸۸، بازبینی شده در ۸ شهریور ۱۳۹۱
- کلیپ تصویری عملیات آزادسازی سوسنگرد (گروه تلویزیونی ارتش).
- گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایرنا)، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱
- گزارش‌ها و مستندات خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱
- معین وزیری، نصرت‌الله و یاسینی، حسین، ۱۳۷۹، آیین‌نامه عملیات (۱/۲ - ۳ م)، جلد یکم، تهران، انتشارات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.

تجزیه و تحلیل عملیات آزادسازی سوسنگرد مبتنی بر اصول جنگ.....۳۳

- معین وزیری، نصرت ا....، ۱۳۸۴، تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ، تهران، سازمان حفظ آثار آجا

- منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۸۸، آشنایی دفاع مقدس، تهران، انتشارات خادم الرضا (ع)

- ولدانی، جعفر، ۱۳۸۷، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق

- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای

- پایگاه تخصصی و اطلاع‌رسانی دفاع مقدس fatehan.ir

- درگاه رسمی آمار ایران amar.org.ir

